حدیث «سبعة احرف» در محک عقل و نقل

سید محمّد فتحی*

چکیده: در این نوشتار با توجّه به اهمّیّت و جایگاه برجستهٔ مسئلهٔ نزول قرآن و احادیث پیرامون آن، از جمله حدیث معروف سبعة احرف، دیدگاه دانشمندان شیعی و بسیاری از علمای اهل سنّت، نقد و بررسی شده است. در این پژوهش، برخی از روایات نبوی در مورد نزول قرآن بر سبعة احرف، ارائه و سپس مهم‌ترین نظریّات پیرامون معنای آنها مورد نقد قرار گرفته است. از اساسی‌ترین شبهات و اشکالات در روایت نزول قرآن بر سبعه احرف، اختلاف در مضامین، روایات نافی احرف سبعه، کلی‌گویی و ابهام در این روایات، مخالفت آن با صحیحهٔ زراره از امام صادق علیه‌السلام، خبر واحد بودن روایت سبعة احرف نزد شیعه و تناقض در معنا و محتوای این حدیث است.

نویسنده با بررسی دیدگاههای دانشمندان شیعه، از جمله علّامه طباطبایی، آیت‌الله معرفت، دکتر حجّتی، آیت‌الله میرمحمّدی و آیت‌الله خویی و همچنین پژوهش در معانی مختلف این حدیث، با تکیه بر روایات مختلف، نزول قرآن بر سبعة احرف را سخنی نادرست و مجعول برشمرده است.

*. کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

کلیدواژه: نزول قرآن / حدیث سبعة احرف / سبعة احرف - معنا / سبعة احرف - نقد و بررسی/ سبعة احرف - روایات متناقض/ سبعة احرف -اهل سنّت/ سبعة احرف - دانشمندان شیعه

مقدّمه

از جمله مباحث در خور درنگ و پژوهش پیرامون قرآن کریم، مسئلهٔ نزول قرآن است و یکی از زیر شاخه‌های این موضوع، حدیث معروف سبعة احرف (هفت حرف) است که در روایات اهل سنّت، بر آن ادّعای تواتر شده است. البتّه باید تصریح کرد که مسئلهٔ نزول قرآن بر هفت حرف، از دیدگاه دانشمندان شیعی، تا اندازهٔ بسیاری منتفی است؛ امّا نزد علمای اهل سنّت، کمتر موضوعی است که همچون این مسئله، معرکهٔ آراء و اختلاف نظر بوده باشد؛ به طوری که تفاسیر بسیار زیاد وگوناگونی حول معنای آن، ارائه شده است.

پرسشهای چندی در پیوند با این حدیث، سزاوار طرح است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آیا در اصل، صدور چنین حدیثی از زبان پیامبر اکرمﷺ قطعی و یقینی است؟ اگر چنین است، آیا خود پیامبرﷺ در جای دیگر، مقصود خویش را از هفت حرف (سبعة احرف) بیان داشته‌اند؟

اگر نزول قرآن بر هفت حرف، صحیح باشد، چرا صحابهٔ پیامبرﷺ قرآن را بر هفت حرف ننوشتند یا در مصاحف خود روشن نکردند که آن را بر پایهٔ کدام حرف فراهم آوردند؟

آیا مصاحف طبق یک حرف نوشته می‌شده یا بیشتر؟ اصولاً قرآن کنونی برکدام حرف است؟ آیا در روایات شیعه، چنین حدیثی یافت می‌شود یا خیر؟ و دهها پرسش دیگر از این قبیل که امید است در این پژوهش، به بخشی از آنها پاسخ داده شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

اهل سنّت و حدیث سبعة احرف

نزد علمای اهل سنّت، کلماتی با تعبیر سبعة احرف، از پیامبرﷺ روایت شده است که گر چه در ساختار الفاظ با یکدیگر متفاوت‌اند، امّا از جهت محتوا، ظاهراً، متّحد و متّفق‌اند که قرآن دارای هفت حرف است. تقریباً تمامی علمای اهل سنّت، در جوامع حدیثی خود مدّعی تواتر این حدیث شده‌اند. «زرقانی» نام بیست و یک نفر از صحابه را آورده که این حدیث از طریق آنها از پیامبر اکرمﷺ روایت شده است. این عدّه از صحابیان عبارت‌اند از:

عمر، عثمان، ابن‌مسعود، ابن‌عبّاس، ابوهریره، ابوبکر، ابوجهم، ابوسعید خدری، ابوطلحهٔ انصاری، ابیّ‌بن کعب، زیدبن ارقم، سمرةبن جندب، سلیمان‌بن ضرد، عبدالرحمن‌بن عوف، عمروبن ابی‌سلمه، عمروبن عاص، معاذبن جبل، هشام‌بن حکیم، انس‌بن مالک، حذیفةبن یمان، امّ‌یعقوب، (همسر ابوایّوب انصاری). (۹: ص ۲۱۸)

سیوطی نیز در نظری مشابه، اذعان می‌کند که این حدیث از طریق جمعی از صحابه مثل: ابیّ‌بن کعب، انس‌بن حذیفه‌بن یمان، زیدبن ارقم، سمرةبن جندب و... (تا اینکه می‌گوید: ۲۱ صحابی‌اند، وارد شده و ابوعبیده بر تواتر آن، تصریح کرده است. (۸: ج ، ص ۱۶۳)

برخی از مهم‌ترین وگویاترین روایات نبوی در مورد سبعة احرف، به شرح ذیل است:

۱. حدّثنا سعیدبن عفیر، قال: حدّثني اللّیث، قال: حدّثني عقیل عن ابن‌شهاب، قال: حدّثني عروةبن الزبیر، أنّ المسوّربن مخرمة و عبدالرحمن‌بن عبدالقاری حدّثاه أنّهما سمعا عمربن الخطّاب یقول: سمعت هشام‌بن حکیم یقرأ سورة الفرقان في حیاة رسول الله ﷺ فاستمعت لقراءته فاذا هو یقرأ علی حروف کثیرة لم یقرئنیها رسول‌الله ﷺ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

فكدت أساوره في الصلاة فتصبّرت حتّى سلّم فلببّته بردائه فـقلت: مـن أقرأك هذه السورة التي سمعتك تقرأ؟ قال: اقرأنيها رسـول‌الله ﷺ فـقلت: كذبت: فإنّ رسول‌الله ﷺ قد أقرأنيها على غير ما قرأت فانطلقت به أقوده إلى رسول‌الله ﷺ فقلت: إنّي سمعت هذا يقرأ بسورة الفرقان على حروف لم تقرئنيها. فقال: رسول‌الله: أرسله اقرأ يا هشام فقرأ عليه القـراءة التـي سمعته يقرأ. فقال رسول‌الله ﷺ: كذلك أنزلت. ثمّ قال: اقرأ يا عمر. فقرأت القراءة التي أقرأني. فقال رسول‌الله ﷺ: كذلك أنزلت، إنّ هذا القرآن أنزل على سبعة أحرف فاقرؤوا ما تيسّر منه. (۳: ج ۶، ص ۲۲۸)

سعیدبن عفیر، روایت کرده است: لیث از عقیل، از ابن‌شهاب از عروةبن زبیر نقل می‌کند که مسوّربن مخرمه و عبدالرحمن‌بن عبدالقاری از عـمربن خـطّاب چـنین شنیده‌اند: هشام‌بن حکیم سورهٔ فرقان را در زمان حیات رسول خدا در نماز، قرائت می‌کرد. به قرائت وی گوش دادم. متوجّه شدم که سورهٔ فرقان را با وجوه متعدّدی قرائت می‌کند که با وجهی که رسول خدا ﷺ به من تعلیم داده بود، تفاوت دارد. نزدیک بود که در حال نماز با وی درآمیزم؛ ولی منتظر شدم تا نمازش را به پـایان رساند. عبایش را بر او پیچیدم و او را در هم فشردم و گفتم: چه کسی قرائت این سوره را به تو یاد داده است؟ گفت: رسول خدا ﷺ. گفتم: دروغ می‌گویی. به خدا سوگند، رسول خدا ﷺ. همین سوره‌ای که تو می‌خوانی طـوری دیگـری بـه مـن آموخته است. او را به نزد رسول خدا ﷺ بردم و گفتم: یا رسول الله ﷺ من شنیدم که این مرد سورهٔ فرقان را با وجوه متعدّدی می‌خواند که با ترتیبی که شما به من تعلیم فرموده‌ای، تفاوت دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: هکذا أنزلت: سوره همین طور که هشام می‌خواند، از جانب خداوند نازل شده است. سپس فرمود: عمر تو بخوان. من همان طور که آن حضرت به من یاد داده بود، خواندم. باز هم رسول خدا ﷺ فرمود: هکذا أنزلت: سوره همین طور که تو خواندی، نازل شده است. آنگاه رسول

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

خداﷺ فرمود: «إنّ هذا القرآن أنزل على سبعة احرف؛ يعنى: قرآن بر هفت حرف نازل شده؛ به هر يک از آنها که برايتان ميسّر است، قرآن را قرائت کنيد.»

۲. حدّثنا خلّادبن أسلم قال: حدّثنا أنس‌بن عياض، عن أبي‌حازم، عن أبي‌سلمه، قال: لا أعلمه إلّا عن أبي‌هريره: أنّ رسول الله ﷺ قال: أنزل القرآن على سبعة احرف فالمراء في القرآن كفر. ثلاث مرّات. (۱۲: ج ۱، ص ۳۵)

ابوهريره: پيامبرﷺ فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده و سه مرتبه گفت: مراء در قرآن، موجب کفر است.

۳. عن أبيّ‌بن كعب، أنّ رسول‌الله ﷺ لقي جبرئيل فقال له: إنّي بعثت إلى أمّـة أمّيّين، منهم العجوز و الشيخ الكبير و الغلام و الجارية و الرجل الذي لم يقرأ كتاباً قطّ. قال: يا محمّد، إنّ القرآن أنزل على سبعة أحرف. (۴: ج ۵، ص ۱۹۴)

ابیّ‌بن کعب: پيامبرﷺ جبرئيل را ملاقات کرد و به وی گفت: من بر امّتی مبعوث شده‌ام که امّی‌اند در ميان آنان ناتوان و پير و غلام و کنيز هست و کسانی که قادر به خواندن نيستند. جبرئيل گفت: يا محمّد، قرآن بر هفت حرف نازل شده است.

۴. أبيّ‌بن كعب: قال النبيّ ﷺ: أرسل إليّ أن اقرأ القرآن على حرف؛ فرددت إليه أن هوّن على أمّتي فردّ إليّ الثانية اقرأه على حرفين؛ فرددت إليه أن هوّن على أمّتي. فردّ إليّ الثلاثة اقرأه على سبعة أحرف. (۱۹: ج ۱، ص ۵۶۲)

ابی‌بن کعب: پيامبرﷺ فرمود: جبرئيل، به سوی من فرود آمد و گفت: قرآن را به يک حرف بخوان. من پاسخش دادم که: بر امّت من، آسان گير. بار دوم، به من گفت: قرآن را بر دو حرف بخوان. من در پاسخش گفتم: بر امّت من، آسان گير. بار سوم، مرا گفت: قرآن را بر هفت حرف بخوان.

يک حرف و معنای آن

يکی از بحثهای مهم پيرامون اين حديث، تفسير و معنای يک حرف است که در رابطه با آن، جدالهای زيادی صورت گرفته و اقوال نقل شده در مورد آن بسيار زياد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

است و به طوری که گفته شده و در اتقان به آن اشاره شده به ۴۰ قول می‌رسد. بعضی از مهم‌ترین این نظریّات به قرار زیر است:

۱. منظور الفاظ مختلف است که دارای یک معنا هستند؛ یعنی جایگزینی کلمات با یکدیگر؛ البتّه تا آنجا که تغییری در معنا پدید نیاید و حکمی از احکام قرآن، عوض نشود. مبنای این نظر برخی روایات حدیث سبعة احرف است. نمونه‌ای از آن به قرار زیر است:

از ابی‌هریره منقول است که پیامبر فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. آن را بر هر حرفی بخوانید، در آن حرجی نیست؛ لیکن آیهٔ رحمت را به عذاب و آیهٔ عذاب را به رحمت، ختم نکنید. (۱۲: ج ۱، ص ۴۲)

۲. وجوه هفتگانهٔ لغات و لهجه‌های عرب: این معنایی است که اکثر علما و اهل سنّت آن را پذیرفته و صاحب قاموس هم آن را تأیید کرده است. همچنین گروهی از متأخّران، از جمله: دکتر عبدالحلیم نجّار و مصطفی صادق رافعی نیز آن را بر سایر معانی دیگر، ترجیح داده‌اند. بیان آن این است که قرآن به هفت وجه از وجوه لغات و لهجه‌های عربی، نازل شده است؛ چون قرآن از هفت لهجهٔ لغات عرب، بیرون نیست. زیرا لهجه‌هایی که در جزیرة العرب تفوّق و انتشار داشت، به هفت لهجهٔ عمده باز می‌گردد که عبارت‌اند از: لهجهٔ قریش، هذیل، ثقیف، هوازن، کنانه، تمیم و یمن. (۵: ص ۲۵۷)

۳ـ وجوهی که به کیفیّت تلاوت قرآن مربوط است. مثل: ادغام ـ اظهار ـ تفخیم ـ ترقیق ـ اماله و...

۴ـ مراد از احرف سبعة هفت نوع اختلاف است که البتّه این هفت نوع اختلاف را به گونه‌های مختلف، مشخّص کرده‌اند؛ نمونه‌ای از آن مثل:

الف) اختلاف اسم از نظر افراد و تثنیه و جمع و تذکیر و تأنیث.

ب) اختلاف صرف فعل از نظر ماضی و مضارع و امر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

ج) اختلاف در اعراب.
د) اختلاف در نقص و زیادت.
هـ) اختلاف در تقدیم و تأخیر.
و) اختلاف در ابدال.
ی) اختلاف در کیّفیّت تلاوت:

نقد نظریّات پیرامون معانی سبعة احرف

سؤالات و شبهات بسیار زیادی پیرامون حدیث سبعة احرف، وجود دارد و عدّهٔ زیادی از دانشمندان شیعه همواره با نظر تردید به این حدیث نگریسته‌اند و برخی آن را کاملاً نفی کرده‌اند. در این قسمت، به بررسی اساسی‌ترین شبهات حول این مسئله می‌پردازیم:

۱. اختلاف در مضامین روایت مذکور: اوّلین اشکال پیرامون این حدیث ـ که با نگاهی کوتاه به روایات مختلف آن مطرح می‌شود ـ این است که این حدیث، حتّی در طبقهٔ صحابه ـ که نخستین طبقه‌اند ـ با تعابیر و مضامین گوناگون نقل شده است.

به عنوان مثال، بعضی از آنها، دلالت دارد بر اینکه زیادی بر حرف واحد، به‌تدریج بوده و در برخی، زیادی بر حرف واحد، در یک دفعه انجام گرفته و در برخی از روایاتِ تدریج نزول قرآن بر هفت حرف، زیادی در دفعه سوم است.

بعضی از آنها، دلالت دارد بر اینکه پیامبرﷺ با راهنمائی میکائیل، از جبرئیل درخواست که خواندن قرآن، تنها به یک حرف منحصر نباشد و برای وسعت و راحتی امّت، روشهای دیگری نیز تجویز شود؛ ولی بعضی دیگر دلالت می‌کند بر اینکه جبرئیل بدون راهنمایی میکائیل و بدون درخواست پیامبر، خود به آسمان بالا رفت و رخصت آورد و این عمل را تکرار کرده تا برای خواندن قرآن با هفت حرف، رخصت صادر شد.

اختلاف دیگر ـ که قابل ذکر است ـ عدم تناسب جوابهای پیامبر با سؤالات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

مطرح شده است؛ چنان‌که در روایتی که از ابن مسعود آمده است، می‌خوانیم که در تعداد آیات سورهٔ اختلاف و گفتگو شد. اختلاف کنندگان به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند و حقیقت را از وی پرسیدند. علی علیه السلام با اشاره و فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همان‌طور که قرائت را فراگرفته‌اید، بخوانید. (۶: ص ۱۷۸)

مسلّماً، بخشی از اختلاف اقوال در معنای روایات سبعة احرف، به خاطر اختلاف مضامین آنها در سبعة احرف است والّا اگر روایت سبعة احرف از متن واحدی برخوردار بود، این همه اختلاف آراء در معنای آن حاصل نمی‌شد.

۲. روایات نافی احرف سبعة: روایاتی مبتنی برنزول قرآن بر سه حرف، چهار حرف، پنج حرف و ده حرف، وجود دارد که با روایت سبعة احرف و نزول قرآن بر هفت حرف، متضاد است و معنای آن را نفی می‌کند. در نتیجه، این سؤال مطرح می‌شود که اگر روایت سبعة احرف، قطعاً از سوی پیامبر صادر شده‌اند، به چه دلیل ایشان در سخنی دیگر، نزول قرآن را بر سه حرف یا چهار حرف و... بیان می‌دارند.

از طرف دیگر، علمای اهل سنّت ـ که بر حدیث مزبور (احرف سبعة) ادّعای تواتر دارند ـ برای حدیث نزول قرآن بر سه حرف نیز اعتبار خاصی قائل بوده و بر آن اعتماد کرده‌اند. این حدیث به قرار زیر است:

عن سمرةبن جندب، عن النبيّ صلی الله علیه و آله قال: أنزل القرآن على ثلاثة أحرف، فلاتختلفوا فيه؛ فإنّه مبارك كلّه، فاقرأوه كالذي أقرأتموه. (۲۰: ج ۲، ص ۵۲؛ ۲۱: ج ۷۷، ص ۱۵۲)

سمرةبن جندب می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن بر سه حرف، نازل شده است؛ در آن اختلاف نکنید. قرآن تمامش (سه حرف) مبارک است آن را آنگونه بخوانید که بر شما قرائت شده است.

حاکم می‌گوید: این حدیث صحیح است و بخاری به روایت حسن از سمره، استناد و مسلم به احادیث حمّادبن سلمه، اعتماد کرده است. (۱۸: ج ۲، ص ۲۳۳؛ ۲:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

ج ۵، ص ۲۲)

۳. کلی‌گویی و ابهام روایات نقل شده، خود نشانه‌ای از جهل و ضعف آنهاست؛ زیرا اگر نزول قرآن بر هفت حرف صحّت داشت، جای این سؤال باقی می‌ماند که چگونه ممکن است که پیامبرﷺ خود حدیث سبعة احرف را با الفاظی کلّی و آن را واضح و روشن نساخته و پیرامون مصادیق آن، توضیحاتی بیان نکرده باشد، تا جایی که برای آن، این همه تفسیر ارائه شده است. (۹: ص ۲۲۴)

۴. شبههٔ دیگر، پیرامون اصل حدیث و تواتر آن است. این حدیث آن‌گونه که در تعریف تواتر لفظی می‌خوانیم ـ که تمام راویان، حدیثی را در تمام طبقات، با الفاظ واحدی نقل کنند، (۱۰: ص ۱۷۰) ـ قطعاً تواتر لفظی ندارد؛ زیرا همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، با الفاظ گوناگون نقل گردیده است. تواتر معنوی، یعنی نقل حدیث از سوی راویان با الفاظ متفاوت اما همراه با معنا و محتوای واحد (همان) نیز در مورد این حدیث، به دلایل اختلاف در مضامین آن ـ که قبلاً ذکر گردید ـ و همچنین روایات نافی سبعة احرف، غیر قابل اثبات است. حتّی عدم تواتر در تمامی طبقات نیز از سوی بعضی از دانشمندان اهل سنّت، اذعان شد است و این خود، دلیل دیگری بر عدم اثبات تواتر این حدیث است.

زرقانی می‌گوید: ...باید توجّه داشت که شرط فراوانیِ نقل کنندگان در سلسله سند ـ که سبب مصونیّت از توافق بر کذب است ـ باید در تمامی طبقات راویان وجود داشته باشد. چنین شرطی اگر در طبقهٔ صحابه باشد، در طبقات بعدی نیست. (۷: ج ۱، ص ۱۳۹) افراد دیگری چون دکتر ضیاءالدین عتر، حتّی تواتر را در طبقهٔ صحابه نیز قابل اثبات نمی‌دانند. (۱۳: ص ۱۰۹)

۵. سؤال دیگر پیرامون سند و متن حدیث از لحاظ فقه الحدیثی است. آیت‌الله معرفت می‌گوید: اسانید این روایات از نظر وثاقت، ثابت نشده است. (۱۵: ج ۲، ص ۹۴) آیت‌الله خویی نیز در مورد این مسئله، اذعان دارد که اصل روایت سبعة احرف،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

ثابت نشده و از طریق عامّه نقل شده و آن روایتی مجعول است. (به نقل از ۱۶:ص ۲۴۴)

از طرفی، با توجّه به تعریف حدیث مضطرب ـ که حدیثی است که از لحاظ متن، مختلف نقل شده باشد، (۱۴: ص ۷۰) ـ می‌توان گفت که حدیث سبعة احرف مضطرب است و غرابت نیز دارد؛ زیرا یکی از معانی غریب در نزد محدّثان آن است که در متن آن لفظ مشکلی به کار رفته باشد. (۱۰:ص ۱۷۶) این خود نوعی ضعف برای حدیث به شمار می‌رود و این حدیث با داشتن الفاظی مانند: نزل علی سبعة أحرف، حدیثی غریب به شمار می‌آید؛ چرا که بیش از ۳۵ قول در معنای آن گفته شده است.

۶. اشکال دیگری که پیرامون این حدیث مطرح است، مخالفت آن با صحیحهٔ زراره از امام صادق علیه‌السلام است که فرموده‌اند: **إنّ القرآن واحد نزل من عند الواحد و لکن الاختلاف یجيء من قبل الرواة.** (۶)

همچنین امام صادق علیه‌السلام روایت رایج میان مردم را ـ که در آن، مسئلهٔ هفت حرف مطرح شده تکذیب کرده و فرموده‌اند: **کذبوا أعداء الله و لکنّه نزل علی حرف واحد من عند الواحد.** (۶)

۷. خبر واحد بودن سبعة احرف نزد شیعه: روایت سبعة احرف در منابع حدیثی شیعه، به ندرت نقل شده و آن هم در رتبهٔ خبر واحد که دارای ضعف سندی و دلالتی است. این موضوع ذهن را به این پرسش وامی دارد که اگر این روایت متواتر است، چگونه در منابع حدیثی شیعه، از تواتر و کثرت ناقلان آن خبری نیست؟ و چرا صحابهٔ پیامبر از جمله ابوبکر یا حضرت علی علیه‌السلام ـ که بیشترین روایات مربوط به قرآن را حتّی در کتب اهل سنّت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است ـ آن را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت نکرده‌اند و نامشان در سند روایت سبعة احرف، کنار دیگر صحابه نیست؟

۸. تناقض در محتوای حدیث سبعة احرف: بزرگ‌ترین شبههٔ وارده بر این حدیث، از منظر این مقاله، یک‌سو و یک‌جهت نبودن معنا و محتوای این حدیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

است. در مقایسهٔ متن هر کدام با دیگری، می‌توان دریافت که متن هر کدام، دارای تفاوتهایی است و هر کدام موضوع خاصّی را بیان می‌دارد. مشخّص نیست که آیا واقعاً حدیث سبعة احرف، اساساً مربوط به لفظ است یا معنا؟ و اگر مربوط به معناست، آیا برای هر آیه، هفت معنا قابل ترسیم است؟ یا برای برخی از آیات چنین خواهد بود؟ اگر مربوط به لفظ است، آیا مربوط به تمامی الفاظ است یا به الفاظ آخر آیه اختصاص دارد؟ و اگر مربوط به تمامی الفاظ است، منظور چیست؟

اگر منظور لغات و لهجه‌هاست ـ آن طور که بیشتر دانشمندان اهل سنّت آن را قبول کرده‌اند و از دانشمندان شیعه آیت‌الله معرفت، دکتر حجّتی و آیت‌الله خویی نیز آن را به عنوان بهترین تفسیر، از منظر اهل سنّت دانسته‌اند ـ این سؤال و سؤالات زیادی پیش می‌آید که پس مصحف عثمانی بر کدام حرف یا بهتر بگوییم بر کدام لغت و لهجه، تنظیم شده است؟ آیا بر همهٔ حروف سبعة بوده یا بر حرف واحد؟ و آیا حروف دیگر نسخ شده و از بین رفته‌اند؟ و آیا قرآن کنونی ـ که منطبق بر قرآن عثمانی است ـ بر اساس یک لهجه و یک قرائت و یک حرف است یا بیشتر؟

از روایات گذشته، چنین بر می‌آید که همان اختلافاتی که عثمان را واداشت تا قرآن را به قرائت واحد منحصر کند و در واقع، توحید مصاحف را به وجود آورد، در حال حیات خود پیامبرﷺ نیز اتفاق می‌افتاد؛ ولی رسول خدا هر فرد را در قرائت خود تثبیت و تأیید می‌کرد و به مسلمانان اعلام می‌داشت که این‌گونه اختلافات رحمت و نعمت است. در صورت صحّت این روایات، عثمان و پیروان وی چه مجوّزی داشتند که این اختلافات را برطرف سازند و این در رحمت را بر روی مسلمانان، ببندند؟ مسلمانان نیز بر اساس چه مجوّزی گفتار رسول خداﷺ را کنار نهادند و گفتار عثمان را مورد عمل و اجرا گذاشتند؟ (۶: ص ۱۸۲)

همچنین اگر منظور لغات و لهجه‌های هفتگانه است، پس با روایتی که از عمر و عثمان منقول است که قرآن به لغت و لهجهٔ قریش نازل گشته و نیز نهی عمر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

ابن‌مسعود را از قرائت «عتی حین» و استدلال، اینکه قرآن بر لغت قریش نازل شده، چه کار باید کرد؟ همچنین این تفسیر با روایت مخاصمه و منازعهٔ عمر با هشام بن حکیم در مورد قرائت (با اینکه هر دو از قریش بودند) سازش ندارد و اصلاً اگر تفسیر مزبور بر لغات و لهجه‌های عرب تکیه دارد، بنابراین باید قرائت قرآن به هفت لغت و لهجه، جائز و صحیح باشد؛ در حالی‌که این امر بر خلاف سیره تمام مسلمین است.

اگر مقصود، جواز تبدیل کلمات به مترادفشان است، در این صورت، اعجاز قرآن و فصاحت و بلاغت آن زیر سؤال می‌رود و باز این سؤال مطرح می‌شود که آیا بر این اساس، قرآن از تحریف مصون خواهد ماند؟

آیت الله خویی در بحثی پیرامون همین وجه از حدیث سبعة احرف، می‌فرماید:

اگر مراد از این وجه، این است که پیامبر جایز دانسته‌اند که کلمات قرآن موجود با کلمات هم‌معنای خود، جا به جا شوند، این احتمال موجب هدم اساس قرآن می‌شود. قرآنی که معجزهٔ جاوید و حجّت بر همه مردم است، هیچ عاقلی شکّ نمی‌کند که این کار موجب از بین رفتن قرآن و عدم اعتنا به شئون آن است و آیا هیچ عاقلی توهّم می‌کند که پیامبر اجازه بدهد که قاری سورهٔ «یس» را چنین بخواند: **یس، الذکر الحکیم، انك لمن الانبیاء، علی طریق سویّ**. (همان، ص ۱۸۱)

سؤال دیگر اینکه، اگر مقصود از سبعة احرف اجازه بر تبدیل کلمات بود، چطور خداوند در قرآن می‌گوید: ﴿**قل ما یکون لي أنْ أبدّله منْ تِلقاءِ نَفسي إنْ أتّبعُ إلّا مایوحی إليّ** (یونس (۱۰) / ۱۵)

اگر مقصود از سبعة احرف، هفت نوع اختلاف باشد ـ که قبلاً یاد شد ـ در جواب باید گفت: این‌گونه تفسیر در معنای حروف هفتگانه، هیچ‌گونه دلیل و گواهی ندارد؛ به خصوص اینکه افراد مورد خطاب در روایات حروف هفتگانه، اصلاً از این‌گونه اختلافات اطّلاعی نداشتند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

در ثانی، روایات حروف هفتگانه گانه در این معنی صراحت دارند که قرآن در ابتدا با حرف واحد نازل شده بود؛ سپس با درخواست پیامبرﷺ اجازهٔ قرائت آن به هفت وجه رسید. مشخّص است که یک حرف و وجه واحد، نمی‌تواند یکی از این اختلافات نامبرده باشد. پس چگونه می‌توان گفت که مراد از حروف هفتگانه همان اختلافات هفتگانه است از طرفی، اختلاف در ادغام و اظهار و روم و اشمام و... قرآن را از لفظ واحد بودن، خارج نمی‌کند تا بتوانیم آنها را در ردیف اختلاف در کلمه و حرف محسوب بداریم. (همان، ص ۱۸۸)

اگر مراد، ابواب سبعة یا فصول هفتگانه: امر، زجر، حرام، حلال، محکم، متشابه و امثال باشد، باید گفت که فصول قرآن بر این هفت مورد محدود نمی‌شود. ممکن است انواع دیگری مانند ناسخ و منسوخ و... نیز از آن مجموعه، به حساب آید.

همچنین این توجیه و تفسیر با روایت ابی‌کریب، معارض و متضاد است؛ زیرا او از ابن‌مسعود چنین نقل می‌کند که خداوند قرآن را به پنج حرف نازل نموده است: حلال، حرام، محکم، متشابه و امثال. (۱۲: ج ۱، ص ۲۴) و سرانجام اگر مقصود هفت بطن و معنا در قرآن باشد، این سؤال مطرح می‌شود که چطور با درخواست پیامبرﷺ مبنی بر تسهیل و توسعه بر امّت خویش در الفاظ، سازگاری خواهد داشت؟ زیرا در برخی از روایات بر تسهیل در الفاظ، تصریح شده است.

دیدگاه علّامه طباطبایی پیرامون سبعة احرف

علّامه طباطبایی در نظری خاصّ ذیل آیهٔ هفت سورهٔ آل عمران، در بحث محکم و متشابه قرآن و اینکه قرآن دارای مراتبی از معانی است، به حدیث سبعة احرف اشاره کرده، معتقدند که این حدیث مربوط به اقسام خطاب و انواع بیان است.

ایشان می‌فرمایند:

در حدیث مروی از فریقین از پیامبر، آمده است که حضرت فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. گر چه در لفظ حدیث اندکی اختلاف است، لیکن معنای آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

به طور مستفیض، در احادیث زیادی از خاصّه و عامّه روایت شده است. راجع به معنای حدیث، اختلاف شدیدی به میان آمده که شماره اقوال در آن تا حدود ۴۰ می‌رسد؛ ولی چیزی که کار را آسان کرده و به اختلافات خاتمه می‌دهد، تفسیری است که در خود این روایات راجع به آن بیان شده است... در یک روایت از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده: خداوند قرآن را به هفت قسم، نازل کرد که هر یک از آنها در رتبهٔ خود، کافی و شافی بوده، هیچ کوتاهی و نقصی ندارند. آن هفت قسم اینهاست: امر، زجر، ترغیب، ترهیب، جدل، مثل و قصص. پر واضح است که از مجموع این روایات، روشن می‌شود که منظور از هفت حرف، اقسام مختلف خطاب و بیانی است که قرآن شریف روی آنها نازل شده است. (۱۱: ج ۳، ص ۱۷۴)

اشکال

هر چند بر نظر علّامه نسبت به دیگر نظریّات و تفاسیر، خدشهٔ کمتری وارد است، امّا باز جای این سؤال باقی می‌ماند که با توجّه به اینکه روایات حروف هفتگانه در این معنی صراحت دارند که قرآن در ابتدا با حرف واحد نازل شده بود و سپس به هفت وجه رسید، کدام‌یک از انواع خطاب و بیان، حرف و وجه واحد اوّلیّه بوده است؟

دیدگاه برخی دیگر از دانشمندان شیعه حول حدیث:

۱. آیت‌الله معرفت

ایشان در بحثی پیرامون این حدیث، پس از ذکر روایات اهل بیت علیهم السلام در این رابطه در کتاب «علوم قرآنی» خود می‌فرمایند: این حدیث از جمله احادیثی است که در این زمینه، از ائمّهٔ اهل بیت علیهم السلام نقل شده و موثّق بودن اسناد آنها ثابت نشده است؛ چنان که استاد بزرگوار آقای خویی و پیش از وی استادش، علّامه بلاغی و دیگران یادآور شده‌اند. (۱۵: ص ۸۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

استاد معرفت پس از ذکر احادیث اهل سنّت در این رابطه، ذکر می‌کنند که مدلول و مضمون احادیث مختلف بوده و با اصطلاح تواتر که وحدت مضمون در تمامی آنها شرط است، سازش ندارد. (همان، ص ۹۰) ایشان در نهایت، تفسیر حدیث مربوط را لغات و لهجه‌های عرب می‌دانند و آن را بهترین معنی در این باب برمی‌شمارند.

۲. دکتر حجّتی

ایشان نیز در کتاب تاریخ قرآن، پس از ذکر نظریّات گوناگون پیرامون این حدیث، در نهایت می‌نویسند:

روایت نزول قرآن بر هفت حرف با بیش از ۴۰ تفسیری که دربارهٔ آن بیان شده است... به هیچ وجه، از نظر شیعه قابل استناد و قبول نیست... به خصوص که با روایت صحیحهٔ امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «**نزل القرآن علی حرف واحد من عند الواحد**» هم منافات دارد. (۵: ص ۲۶۳)

۳. آیت‌الله میر محمّدی

آیت‌الله میر محمّدی نیز در بحث سبعة احرف در کتاب تاریخ و علوم قرآن، معتقد است:

مراد از هفت حرف، معانی متعدّدی است که در کلمات و آیات قرآنی است؛ ولی مردم جز اندکی از آنها را درک نمی‌کنند. (۱۷: ص ۶۶)

۴. آیت‌الله خویی

ایشان اصلاً اعتقادی به حدیث سبعة احرف نداشته، آن را حدیثی مجعول می‌داند و در کتاب معروف البیان می‌نویسد:

روایت نزول قرآن بر هفت حرف، به معنای صحیحی بر نمی‌گردد و باید طرد شود. (۶: ص ۲۱۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

سرانجام سخن

با توجّه به شبهات، سؤالات و اشکالات وارد شده پیرامون حدیث و معناهای مختلف ذکر شده و همچنین با توجّه به روایت صحیحهٔ امام صادق‌علیه‌السلام مبنی بر اینکه الفاظ قرآن دارای نزول واحد و از نزد واحد است و تکذیب ایشان پیرامون نزول قرآن بر سبعة احرف و با نظر به این روایت نبوی که «اگر با هم اختلاف پیدا نمی‌کردند» و نیز با توجّه به ضعف سندی و متنی روایت مذکور و تصریح بسیاری از دانشمندان شیعه بر انکار آن، باید گفت: نزول قرآن بر سبعة احرف، به خصوص در حوزهٔ الفاظ، سخنی نادرست و مجهول است و بر صحّت آن حکمی نمی‌توان کرد.

منابع

۱. ابن جزری. **النشر فی القراءات العشر.** قاهره: مطبعهٔ مصطفی محمّد.

۲. ابن‌حنبل، احمد. **مسند.** بیروت: دار الفکر..

۳. بخاری، ابوعبدالله محمّدبن اسماعیل. **صحیح البخاری.** بیروت: دارالفکر.

۴. ترمذی، محمّدبن عیسی. **سنن.** بیروت: دار احیاء السنّة النبویّة.

۵. حجّتی، سیّدمحمّد باقر. **پژوهشی در تاریخ قرآن کریم.** تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.

۶. خویی، ابوالقاسم. **البیان فی تفسیر القرآن.** انوارالهدی: چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ق.

۷. زرقانی، محمّد عبدالعظیم. **مناهل العرفان فی علوم القرآن.** قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۶۲.

۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. **الاتقان فی علوم القرآن.** منشورات شریف رضی.

۹. شاکر، محمّدکاظم. **تاریخ قرآن** (جزوهٔ کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۲ ش.

۱۰. شانه‌چی، کاظم. **علوم حدیث.** قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

۱۱. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. **المیزان فی تفسیر القرآن.** بیروت: مؤسّسهٔ العلمی، ۱۳۹۴ ق.

۱۲. طبری، محمّدبن جریر. **جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر طبری).** بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]

۱۳. عتر، حسن ضیاءالدین. **الاحرف السبعه و منزلة القراءات منها**. بیروت: دار البشائر الاسلامیّه، ۱۴۰۹ ق.

۱۴. مامقانی، عبدالله. **تلخیص مقباس الهدایه**. تحقیق: علی اکبر غفّاری. تهران: جامعة الامام صادق، ۱۳۶۹ ش.

۱۵. معرفت، محمّدهادی. **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسّسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۱۶. مؤدّب، سیّد رضا. **نزول قرآن و رویای هفت حرف**. قم: دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیّهٔ قم، ۱۳۷۸ ش.

۱۷. میرمحمّدی، ابوالفضل. **تاریخ و علوم قرآن**. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۸. نیشابوری، ابوعبدالله محمّد بن محمّد. **المستدرک علی الصحیحین**. بیروت: دارالمعرفه.

۱۹. نیشابوری، مسلم بن حجّاج. **صحیح مسلم**. بیروت: دار احیاء التراث العربیّة، ۱۳۷۴. ۲۰. هندی، حسام‌الدین. **کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال**. بیروت: مؤسّسة الرساله، ۱۴۰۵ ق.

۲۱. میثمی، علیّ‌بن ابی‌بکر. **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**. بیروت: دار الکتب العلمیّه، ۱۴۰۸ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.6.21.5.1]